



Original Research

Exploring The Role Of Testimony And Judge's Will In Analyzing And Investigating Article 241 Of the Civil Procedure Law In Iran

Fereydoun Shayeste ^{1*}

1 PhD in Iranian Islamic History, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Article ID: ahrar-46860

Received:December 23,
2023**Accepted:**

January 1, 2024

Available online:

March 18, 2024

Keywords:Judge,
Testimony,
Court, Civil
Procedure Law,
Iran**Main Subjects:**

Civil procedure

Abstract

" The aim of this research is to explore and investigate the role of testimony as one of the evidence in proving a claim and the judge's will in determining the value and impact of testimony in court. Examining the recognition and value of witness testimony, as well as examining the extent of the judge's powers based on Iranian law, and rejecting or accepting testimony, and examining the opinions of jurists in this area are criticized and analyzed. The research method is descriptive-analytical, and the different perspectives of the experts in this field are examined and criticized. The author will present his own viewpoint in the conclusion and summary of the study.

*Corresponding Author: Fereydoun Shayeste

Address: PhD in Iranian Islamic History, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Email: shayesteh@gmail.com

Extended Abstract

1. Introduction

In this research, the author intends to criticize and analyze the views of jurists on how to recognize the value of eyewitness testimony and the extent of the judge's authority according to the law, regarding the rejection or acceptance of testimony (testimony). The fundamental question of the investigation is whether the judge can ignore the testimony of the witnesses and express that the testimony of the witnesses did not convince him. The purpose of the research is to provide a new solution while criticizing and reviewing different views of lawyers. Regarding the importance of the research, it should be mentioned that this research can criticize the position of the witness as one of the evidences to prove the case and explain its validity in issuing the court decision.

2. Theoretical Framework

By referring to historical evidence and documents, the testimony of witnesses has been and is one of the proofs of a lawsuit. This reason can be seen in historical sources. . In the middle period of Iran's history (the historical period of Iran after Islam), there were those who commented on the importance of the position of witnesses and considered the position of witnesses to be very reliable and decisive. Ibn Akhwah mentions in this regard in his book Ma'ali al-Qurba: "With the speech of two witnesses, someone is killed, a woman becomes lawful, misguidance becomes guidance, and property is transferred, and Hudud becomes obligatory, and someone is right." Therefore, it is obligatory for a wise witness to apply the rules of martyrdom and not neglect the right way and express the truth in order to gain status and wealth. He should be mature, righteous, alert and well-mannered.

3. Methodology

The research method is descriptive-analytical and the different viewpoints of the experts have been done using the library study method.

4. Results & Discussion

According to Article 230 of the Civil Code, which determines the number of witnesses required for each lawsuit, the judge cannot issue a verdict with less than the number of witnesses according to the law, but the acceptance of their testimony depends on the judge's opinion. (From the appearance of Article 241, it appears that the certificate is not a proof, but a judicial decree, because if the proof has legal conditions, it should be given importance, but from the appearance of the article, it appears that the purpose of recognizing the value and effect of the certificate, checking the conditions of the certificate). If the introduced witness or witnesses meet all the conditions prescribed by law and their number and gender are in accordance with the law and all the conditions of the certificate are met, the certificate is imposed on the court and the court is obliged to issue a decision based on the certificate. but if the witness or witnesses do not meet certain legal conditions or their number and gender are not in accordance with the law, the value and effect of the certificate shall be determined by the court.

5. Conclusions & Suggestions

In all viewpoints, jurists have accepted this article, which is to determine the value and effect of the certificate with the court, and they have not said a word in rejecting this legal article. The majority of jurists have paid more attention to the conditions and contexts of the judge's authority and have remained silent on the authenticity of witness testimony and persuasion of testimony by the judge. - According to Article 241, it is not possible to consider the judge



to be biased, this legal article criticizes the certainty and certainty of witness testimony, but the judge must present an acceptable argument to reject the testimony of the witness or witnesses. Although the testimony of witnesses is a legal evidence, not every legal evidence can be accepted and cited without modification.

تبیین جایگاه شهود و اراده قاضی در تحلیل و بررسی ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی

فریدون شایسته^{*}

۱ دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ و ایرانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

کد مقاله: ahrar-46860	
چکیده	تاریخ دریافت: ۲ دی ۱۴۰۲
هدف تحقیق، تبیین و بررسی جایگاه شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا و اراده قاضی در تشخیص ارزش و تأثیر گواهی توسط دادگاه است. بررسی تشخیص و ارزش شهادت شهود و همچنین بررسی میزان اختیارات قاضی بر اساس قانون ایران، و ردّ و یا قبول شهادت و بررسی دیدگاه های حقوق دانان را در این حوزه مورد نقد و واکاوی قرار می گیرد روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است و دیدگاه های متفاوت صاحب نظران در این تحقیق، مور نقد و بررسی قرار می گیرد و نگارنده در جمع بندی و نتیجه گیری، دیدگاه خود را عرضه خواهد داشت.	تاریخ پذیرش: ۱۱ دی ۱۴۰۲
	تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۲
	کلیدواژه ها: قاضی، شهود، دادگاه، دادرسی مدنی، ایران محورهای موضوعی: آیین دادرسی مدنی

*نویسنده مسئول: فریدون شایسته

آدرس: دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ و ایرانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

ایمیل: shayesteh@gmail.com

۱- مقدمه

در این تحقیق، نگارنده بر آن است که در مورد چگونگی تشخیص ارزش شهادت شهود و میزان اختیارات قاضی بر طبق قانون، در مورد ردّ و یا قبول شهادت (گواهی) دیدگاه های حقوق دانان را در این زمینه مورد نقد و واکاوی قرار دهد. سؤال بنیادی تحقیق این است که آیا قاضی می تواند به شهادت شهود ترتیب اثر ندهد و ابراز کند که شهادت شهود وی را اقناع نکرده است؟ هدف از تحقیق، ضمن نقد و بررسی دیدگاه های متفاوت حقوق دانان، ارائه راهکار جدید است. در مورد اهمیت تحقیق، گفتنی است که این تحقیق، می تواند جایگاه شهود را به عنوان یکی از موارد ادله اثبات دعوا، مورد نقد و بررسی قرار دهد و میزان صحت و سقم آن را در صدور رأی دادگاه، تبیین نماید.

۲- بحث و بررسی

با به استناد به شواهد و اسناد تاریخی، از دیر باز، شهادت شهود یا گواهی گواهان، یکی از ادله اثبات دعوا بوده و هست. این دلیل را می توان در منابع تاریخی، شاهد مثال آورد. (یار شاطر، ۱۳۸۱: ۶۷؛ اشرفی- رضایی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۰۱). در دوره میانه تاریخ ایران (دوره تاریخی ایران بعد از اسلام)، کسانی بوده اند که در مورد اهمیت جایگاه شهود و یا گواهان، به اظهار نظر پرداخته و مقام شهود را بسیار معتبر و تعیین کننده دانسته اند. ابن اخوه در کتاب معالی القریه در همین باره یاد آور می شود: "با گفتار دو تن گواه، کسی کشته می شود، زنی حلال می گردد، گمراهی به هدایت تبدیل می شود و اموال منتقل می گردد و حدود واجب می شود و کسی حق مخالفت با ایشان را ندارد. از این رو، گواه عاقل واجب است که احکام شهادت را به کار بندد و برای کسب مقام و ثروت و انتقام جوئی و حبّ و بغض، از راه راست و بیان حقیقت غفلت نورزد. گواه باید آزاد، عاقل، بالغ، صالح، هوشیار و با مروّت باشد. بنابراین گواهی، برده، بچه، کافر، دیوانه و فاسق، در مراجع قانونی صدر اسلام مورد قبول قرار نمی گیرد و تقوی و پرهیزکاری، شرط اساسی برای احراز این سِمَت است. (ابن اخوه، ۱۳۴۷: ۱۸)". در این دوره، افرادی در قالب: مزکیان معدلان بوده اند که در مجلس قضا (دادرسی)، حکم به تزکیه و عدالت شهود می کردند. ابوالفضل بیهقی، در دو داستان: افشین و بودلف و حسنک وزیر، از این دو گروه یاد کرده است و آنان را در زمان خود، افراد صالحی ندانسته است. (بیهقی، ۱۳۸۴: ۲۱۸ و ۲۲۸) ناصر خسرو قبادیانی، شاعر بلند آوازه اسماعیلی مذهب در قرن پنجم قمری، به آنان چون بیهقی نگریسته و بر آنان تاخته است :

*

"اینان که دست خویش چو نشبیل کرده اند

اندر میان خلق مزکی و داورند

دشمن عدلند و ضد حکمت اگر چند

یکسره امروز حاکمند و معدّل "

(راوند، ۱۳۶۸: ۱۱۵)

ماده ۲۴۱ ق.آ.د.م

در این ماده، قانون گذار گفته است. "تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است" (زینالی، ۱۳۹۴: ۶۵). در ماده ۴۲۴ قانون قدیم آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ هجری خورشیدی هم آمده است: "تشخیص درجه ارزش و تأثیر گواهی به نظر دادگاه است." (شمس، ۱۳۹۵: ۱۳۵)

در نقد و بررسی این ماده قانونی، چند پرسش اساسی در ذهن خوانندگان مطرح می شود :

الف) آیا قاضی می تواند ابراز کند که شهادت شهود، وی را اقناع نموده است؟

ب) آیا دادگاه (مرجع قضایی)، می تواند به شهادت، ترتیب اثر ندهد و آن را نادیده بگیرد؟

از ظاهر این ماده، چنین شبهه ای ایجاد می شود که حتی با وجود تمامی شرایط شهادت و شهود، قاضی در اعلام فقدان ارزش شهادت شهود، مبسوط الید است. در این مقاله، دیدگاه های مخالف حقوقدانان را در تفسیر ماده ۲۴۱ ق.آ.د.م، مورد نقد و بررسی قرار می دهیم :

الف) اگر شهادت شهود، توانست در نظر دادگاه، دعوا را اثبات نماید، دادگاه به سود مدعی، رأی صادر می کند. اگر شهادت شهود، نتوانست در نظر دادگاه، دعوا را ثابت کند، دادگاه مدعی را به عدم اثبات دعوا محکوم می نماید. اگر چه عدّه گواهان، بیشتر باشد (امامی، ۱۳۸۵: ۶/۲۲۷)

ب) ممکن است قاضی شهادت یک نفر را برابر با واقع و با ارزش تشخیص دهد و شهادت چند نفر مقابل او را قابل ارزش نشناسد. (مدنی، ۱۳۸۵: ۲۱۰)

پ) دادرس، باید متوجه باشد که زیادی یا کمی شهود اهمیت ندارد، بلکه کیفیت ادای شهادت مهم است. دادرس، باید با کمک روان شناس، به قیافه و وجنات هر یک از شهود، هنگام ادای شهادت دقت داشته باشد و طبیعی بودن یا مصنوعی بودن اظهارات آنان را احراز کند. باید ابتدا گواه را به حال خود گذاشته، یعنی بدون این که به وسیله سؤالات اصحاب دعوا یا سؤال خود دادگاه، کلام او قطع نشود بگذارند اطلاعات خود را به صرافت طبع بگوید .

پس از اختیاری که قانون به او داده استفاده کرده، سوالاتی برای کشف حقیقت و مبنای گواهی از او کرده، کیفیات زمانی و مکانی و سایر کیفیات واقعه را که گواه ناظر آن بوده، معلوم کند و این سؤالات را طوری ماهرانه بنماید تا بدون این که جنبه استنطاق پیدا کند، درجه صداقت یا حافظه گواه و این که اطلاعات او مبنی بر مشاهده مستقیم یا سماع یا شهادت بر شهادت یا نقل مسموعات و اشتهارات یا اراجیف است به دست آمده، به علاوه معلوم نماید. بین اظهارات او اختلاف و معارضه هست یا خیر و شهادت او مطابق ماده ۱۳۱۵، قانون مدنی، از روی قطع و یقین است یا این که به طور شک و تردید آدا می نماید و با دعوا مطابقت دارد یا خیر و اگر در لفظ مطابقت ندارد، در معنی موافق است یا نه؟ (ماده ۱۳۱۶ قانون مدنی)، بعد از مطالعه در شهادت فرد شهود، باید مفاد آن ها را با یکدیگر مقایسه کرده، معلوم نماید که آیا شهادت شهود، مفاداً متحد هستند؟ اگر شهود به اختلاف شهادت دهند، قابل ترتیب اثر نخواهد بود. مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آن ها، قدر متیقینی به دست آید. اما اگر اختلاف شهود در خصوصیات امر، موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد، اشکالی ندارد. خلاصه این که دادرس باید اظهارات شهود را در ترازوی قضاوت گذاشته، قدر و قیمت هر یک را دقیقاً بسنجد و وزن کند و با توجه به اعتراض های اصحاب دعوا، هر کدام را که مبنای صحیح داشته و برای او مفید قطع و یقین باشد قبول کرده و به آن ترتیب اثر بدهد. هر چند که گوینده یک نفر منحصر به فرد باشد. و شهادت هایی را که مشکوک و مخدوش به نظر برسد رد کرده و ارزش برای آن قائل نشود، هر چند که گویندگان آن متعدد باشند. (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۴۲۵-۲/۴۲۴) .

ت) به استناد ماده ۲۳۰ ق.آ.د.م که تعداد گواهان لازم را برای هر دعوا معین کرده است، دادرس نمی تواند به کم تر از شمار گواهان بر طبق قانون حکم صادر کند، ولی پذیرش گواهی آنان به نظر دادرس بستگی دارد. (حیاتی، ۱۳۸۴: ۳۶۹)

ث) از ظاهر ماده ۲۴۱، چنین بر می آید که گواهی دلیل نیست، بلکه آماره قضایی است، زیرا اگر دلیل دارای شرایط قانونی باشد، باید به آن اهمیت داد ولی از ظاهر ماده چنین بر می آید که منظور از تشخیص ارزش و تأثیر گواهی، بررسی شرایط گواهی است. (زراعت، ۱۳۷۹: ۵۰۵)

د) اگر گواه یا گواهان معرفی شده، تمامی شرایط مقرر قانونی را داشته و تعداد و جنسیت آن‌ها به ترتیب مقرر قانونی باشد و تمامی شرایط گواهی نیز حاصل باشد، گواهی به دادگاه تحمیل می‌شود و دادگاه مکلف است بر اساس گواهی، اقدام به صدور رأی نماید، اما در صورتی که گواه یا گواهان، برخی شرایط مقرر قانونی را نداشته و یا تعداد و جنسیت آن‌ها به ترتیب مقرر قانونی نباشد، تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است. (شمس، ۱۳۸۵: ۲۵۰)

۳- نتیجه گیری

۱- در همه دیدگاه‌ها، حقوق دانان، این ماده را که تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است مورد پذیرش قرار داده‌اند و در رد این ماده قانونی سخنی نگفته‌اند.

۲- اکثریت حقوق دانان، بیشتر به شرایط و زمینه‌های اختیار عمل قاضی توجه داشته‌اند و در صحت و سقم گواهی شهود و اقرار شهادت توسط قاضی، سکوت کرده‌اند.

۳- نمی‌توان به استناد ماده ۲۴۱، قاضی را مبسوط‌الید دانست، این ماده قانونی قطعیت و حتمیت گواهی شهود را مورد نقد قرار داده، ولی قاضی می‌باید برای رد شهادت گواه یا گواهان، استدلال قابل قبول ارائه نماید. اگر چه شهادت شهود از آماره قانونی است ولی، نمی‌توان هر آماره قانونی را بدون جرح و تعدیل پذیرفت و مورد استناد قرارداد.

۴- به نظر می‌رسد در تعارض بین آماره قانونی (ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی) و آماره قضائی (ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی)، قاضی (دادرسی)، می‌تواند شهادت شهود را نادیده گرفته و بر اساس آماره قضائی رأی صادر کند. به مثال زیر توجه کنید: برسر مالکیت چمدانی بین دو شخص "A" و "B"، اختلاف وجود دارد. فرد "A"، با آوردن دو شاهد مرد در دادگاه، در مقابل عدم وجود شاهد برای "B"، ادعای مالکیت می‌کند. مالک شماره "B"، از قاضی می‌خواهد که محتویات داخل چمدان را از فرد "A" بخواهد که بیان کند. وقتی "A"، اظهار عجز می‌کند، در این حالت، بین شهادت شهود که آماره قانونی است با آماره قضائی که به شخص قاضی منحصر است، تعارض حاصل می‌شود.

قاضی در این حالت می‌تواند با رد گواهی گواهان، شخص "A" را مالک شناخته و به نفع شخص "B"، رأی صادر نماید.

۵- در میان دیدگاه‌های حقوق دانان، دیدگاه دکتر احمد متین‌دفتری، دیدگاه ارزنده‌ای به نظر می‌رسد. زیرا وی از یک سو، راهکارهای مناسبی را برای تشخیص گواهی گواهان مطرح نموده و از سوی دیگر مطابق ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی، پذیرش گواهی شهود را از سوی قاضی، منوط به این دانسته که از مفاد اظهارات شهود، قدر متیقنی به دست آید.

۶- نمی‌توان گفت که قانون‌گذار شهادت شهود را به سبب احراز آماره قانونی، بردادگاه تحمیل کرده است.

زیرا به استناد ماده ۱۳۲۴ ق.آ.د.م و ماده ۱۷۶ ق.م.ا، تشخیص میزان تأثیر و ارزش اظهارات، در حدود آماره قضائی در حیطه علم قاضی و در صلاحیت دادگاه است.

۷- گمان نمی‌رود این دیدگاه صادره از سوی دکتر احمد متین‌دفتری، محل اختلاف و نزاع بین حقوق دانان باشد: "گواهی را از لحاظ تزلزل و سستی اخلاق، عموماً نمی‌توان همیشه یک دلیل مفید قطع و یقین دانست." (متین‌دفتری، ۱۳۷۸: ۲/۴۲۳)



References

1. Ibn Akuhah ,M.(1928). Ma'alim al-Qurba fi Ahkam al-Hisba (Municipal Law in the Seventh Century), translated by Jafar Shoar, Tehran, Iran Foundation Publications. **[In Persian]**
2. Ashrafi A and Rezaei, Gh. (2017). False Testimony and Concealment of Testimony in Ancient Mesopotamia, Iran and Islam, Tehran, Judgment Quarterly Journal, No. 89. **[In Persian]**
3. Imamieh S H. (2006), Civil Law, Tehran, Islamic Publications. **[In Persian]**
4. Bayhaqi A. (2005), Bayhaqi's History, edited by Dr. Ali Akbar Fiaz, Tehran, Elm Publications. **[In Persian]**
5. Hayati A.(2005).Explanation of Civil Procedure Law, Qom, Salsabil Publications. **[In Persian]**
6. Ravandi M.(1989).The Evolution of Law and Justice in Iran, Tehran, Cheshmeh Publications - Babol Bookstore. **[In Persian]**
7. Zera'at A.(2000).Civil and Revolutionary Court Procedure Law in Civil Affairs, Tehran, Khatt-e-Seifr Publications. **[In Persian]**
8. Zinali T. (2015). Civil Procedure Law, Tehran, Cheragh-e-Danesh. **[In Persian]**
9. Shams A. (2006). Evidence of Proving a Claim (Substantive and Probative Law), Tehran, Darak Publications. **[In Persian]**
10. Matin Daftri ,A. (1999). Civil and Commercial Procedure Law, Volume Two, Tehran, Moj Scientific and Cultural Assembly. **[In Persian]**
11. Madani ,S J. (2006), Evidence of Proving a Claim, Tehran, Paydar Publications. **[In Persian]**
12. Yarshater, E. (2002), History of Iran (From Seleucids to the Fall of the Sassanian Empire), Volume Three, Cambridge University Research, translated by Hassan Anousheh, Tehran, Amir Kabir Publications. **[In Persian]**